The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution
Biannual Journal of Revolution Studies
Iranian Sociological Association

Revolution Studies
Volume 3, No. 6, Autumn & Winter 2025 (Serial 6)

Discourse Analysis of the Tudeh Party During the Islamic Revolution of Iran

Hosseinali Ghajari[1]

Doi:10.22034/fademo.2025.540292.1138

Abstract

his article analyzes the socialist discourse of the Tudeh Party during the Iranian Islamic Revolution (1978 -1979) using Ernesto Laclau and Chantal Mouffe's discourse theory. Employing discourse analysis, it examines the representation and structuring of key concepts such as nodal points, master signifiers, empty signifiers, moments, identity, and subject position within the party's socialist discourse. Data were collected from primary Tudeh Party texts through purposive sampling and analyzed qualitatively based on Laclau and Mouffe's theoretical framework. The findings indicate that the discourse frames the four dimensions of economy, society, culture, and politics within Marxism-Leninism. Marxism-Leninism serves as the nodal point and master signifier of this discourse, with its adherents identifying as Marxist-Leninists and labeling others as non-Marxist-Leninists. Empty signifiers include equality, justice, freedom, independence from capitalism, and progress. Key moments encompass class, party, struggle, democracy, justice, freedom, imperialism, capitalism, and socialism. This discourse rejects the existing despotic monarchy, constitutional monarchy, liberalism, Islamic monarchy, and Maoism, positioning socialism as its desired political myth and ideal state.

Keywords: Socialism, Tudeh Party, master signifier, nodal point, discourse analysis, political myth.

1.Assistant Professor of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.
h_ghajari@pnu.ac.ir

Received: 2025/ 08/ 14 Approvd: 2025/ 09/ 03

دوفصلنامه انقلاب پژوهی
انجمن جامعه‌شناسی ایران
پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی

تحلیل گفتمان سوسیالیسم حزب توده در جریان انقلاب اسلامی ایران

حسینعلی قجری[1]

Doi:10.22034/fademo.2025.540292.1138

چکیده: این مقاله به تحلیل گفتمان سوسیالیستی حزب توده در انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) با استفاده از نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و شانتال موف می‌پردازد. با روش تحلیل گفتمان، چگونگی بازنمایی و سامان‌دهی مفاهیم کلیدی همچون نقطه کانونی، دال برتر، دال تهی، دقایق و هویت در گفتمان حزب توده بررسی شده است. داده‌ها از متون دسته اول حزب توده با نمونه‌گیری هدفمند و تحلیل کیفی استخراج شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد گفتمان حزب توده در قالب مارکسیسم- لنینیسم چهار حوزه اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سیاست را معنا می‌بخشد. نقطه کانونی و دال برتر این گفتمان مارکسیسم- لنینیسم است که حاملان آن خود را مارکسیست-لنینیست و دیگران را غیرمارکسیست-لنینیست می‌دانند. دال‌های تهی شامل برابری، عدالت، آزادی، استقلال از سرمایه‌داری و پیشرفت است. دقایق مهم گفتمان طبقه، حزب، مبارزه، دموکراسی، عدالت، آزادی، امپریالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم هستند. این گفتمان نظام سلطنتی استبدادی، سلطنت مشروطه، لیبرالیسم، سلطنت اسلامی و مائوئیسم را نفی کرده و سوسیالیسم را به‌عنوان وضعیت مطلوب و اسطوره سیاسی خود معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سوسیالیسم، حزب توده، دال برتر، نقطه کانونی، تحلیل گفتمان، اسطوره سیاسی.

---

۱. استادیار علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. h_ghajari@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

دوفصلنامه انقلاب‌پژوهی | سال سوم، شماره ٦| پاییز و زمستان ١٤٠٤| صفحات ۱۰۰-۷۵

https://trs.ri-khomeini.ac.ir/

مقدمه

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران یکی از رویدادهای تاریخی مهم است که مسیر سیاسی و نظم اجتماعی کشور را تغییر داد. درحالی‌که این انقلاب اغلب به‌عنوان پیروزی ایدئولوژی اسلامی شناخته می‌شود؛ بااین‌حال، منظرهٔ سیاسی آن بسیار متنوع بود و گفتمان‌های مختلف برای تأثیرگذاری در آن رقابت می‌کردند. یکی از گفتمان‌های مهم و رایج در این دوران که بدون فهم آن شناخت گفتمان‌های این عصر تقریباً ناقص است، گفتمان سوسیالیسم است. گفتمان سوسیالیسم ماحصل بروز بحران‌های گفتمان لیبرالیسم و سرمایه‌داری در غرب است. حزب تودهٔ ایران در سال ۱۳۲۰/ ۱۹۴۱ با الهام از مارکسیسم- لنینیسم تأسیس شد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین احزاب چپ در تاریخ معاصر ایران فعالیت کرد. این حزب نقش قابل‌توجهی در جنبش‌های کارگری و سیاسی ایران ایفا کرد و خواستار تحولاتی بنیادین در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور بود. در زمان سلطنت رضاشاه این حزب به حاشیه رانده شد و محدود گردید. با سقوط رضاشاه، حزب توده به‌عنوان حامل گفتمان سوسیالیسم مجدد جان تازه‌ای گرفت. این گفتمان به دلیل زمینه‌های مساعد به‌سرعت در ایران رشد کرد؛ بااین‌حال، با ترور ناموفق شاه در ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۲۵، حاملان آن تحت‌فشار قرار گرفتند و حزب توده فروپاشید. حزب توده از بهمن ۱۳۲۸ دوباره فعالیت خود را از سر گرفت و به ترویج عناصر و معانی گفتمان سوسیالیسم پرداخت. مجدداً با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، حزب توده به‌شدت سرکوب شد و تا سال ۱۳۳۸ چیز زیادی از آن باقی نماند. از سال ۱۳۳۸ به بعد حزب فعالیت خود را در ایران به‌صورت مخفی و در خارج آغاز نمود. از اوایل دههٔ ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ حزب توده فعالیت‌های تبلیغاتی خود را در ایران از سر می‌گیرد و در عرصهٔ گفتمانی انقلاب خودنمایی می‌کند.

حزب توده به‌عنوان یک سازمان مارکسیستی- لنینیستی، نقش برجسته‌ای در ترویج گفتمان سوسیالیستی در این مقطع تاریخی ایفا کرد و قصد داشت یک دیدگاه بدیل برای آینده ایران بر پایه مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیسم مطرح کند. لذا شناخت علمی این گفتمان یک ضرورت علمی است. نقش گفتمان سوسیالیستی حزب توده در مبارزه سیاسی گسترده‌تر انقلاب با تناقض‌ها و کشمکش‌های زیادی همراه بود؛ زیرا گروه‌های ایدئولوژیک مختلف برای تسلط بر گفتمان انقلابی رقابت می‌کردند برای شناخت این گفتمان یکی از نظریه‌های مناسب نظریهٔ گفتمان لاکلائو و موفه است.

نظریهٔ گفتمان لاکلاو و موف با شناسایی عناصر گفتمانی بر تصادفی بودن و سیال بودن هویت‌های سیاسی تأکید دارد و بر این نکته تمرکز می‌کند که گروه‌های اجتماعی چگونه

از طریق فرایند بیان خواسته‌ها و ساخت هویت‌های سیاسی و اتحادها مطالبات خود را مطرح می‌کنند. گفتمان سوسیالیستی حزب توده در این چهارچوب می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از خواسته‌ها و علامت‌گذارهایی دیده شود که سعی داشتند یک دیدگاه سوسیالیستی برای آینده ایران بسازند.

با تمرکز بر استراتژی‌های گفتمانی که حزب توده از آن‌ها استفاده می‌کرد، ازجمله استفاده از زبان نمادین، شعارها و خواسته‌های سیاسی، این مطالعه نشان خواهد داد که چگونه این حزب سعی داشت یک دیدگاه هژمونیک سوسیالیستی بسازد (Laclau & Mouffe, 1985; Hall,1997).

با توجه به اهمیت انقلاب اسلامی و فعالیت حزب توده در جریان انقلاب اسلامی و توانایی‌های نظریه گفتمان لاکلاو و موف، مقاله حاضر در تلاش است تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد: «بر اساس نظریهٔ گفتمان لاکلاو و موف گفتمان سوسیالیستی حزب توده دارای چه ابعاد و عناصری است؟»

۱. پیشینهٔ تحقیق

حزب تودهٔ ایران، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین و درعین‌حال بحث‌برانگیزترین احزاب سیاسی تاریخ معاصر ایران، همواره موضوعی جذاب برای تحلیل‌های تاریخی، سیاسی و جامعه‌شناختی بوده است. بررسی پیشینه مطالعات انجام‌شده در خصوص این حزب، نه‌تنها عمق و پیچیدگی‌های آن را آشکار می‌سازد، بلکه خلأهای پژوهشی و مسیرهای جدید برای تحقیقات آتی را نیز مشخص می‌کند. پژوهش‌های موجود را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد که هر یک از منظری خاص به حزب توده نگریسته‌اند.

دستهٔ نخست شامل آثاری است که به تاریخ‌نگاری عمومی ایران می‌پردازند و در خلال آن، به نقش و جایگاه حزب توده نیز اشاره می‌کنند. این منابع، بستر تاریخی و اجتماعی فعالیت حزب را ترسیم کرده و وقایع مهم مرتبط با آن، ازجمله شکل‌گیری، اوج‌گیری نفوذ و سرکوب‌های پی‌درپی را روایت می‌کنند. یرواند آبراهامیان در کتاب کلاسیک خود، *ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، به‌تفصیل به ظهور و افول حزب توده در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی دوران پهلوی می‌پردازد و تحلیل‌های عمیقی از علل و پیامدهای اقدامات این حزب ارائه می‌دهد. به‌موازات آن، محمدعلی همایون کاتوزیان در *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، حزب توده را در چهارچوب اقتصاد سیاسی ایران تحلیل کرده و ارتباط آن با طبقات اجتماعی و تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر سرنوشت آن را

بررسی می‌کند. این دسته از پژوهش‌ها، دیدگاهی کلان و جامع را برای درک جایگاه حزب توده در ساختار کلی تاریخ ایران فراهم می‌آورند.

دستهٔ دوم، بر تحلیل‌های جامعه‌شناختی و الگوهای مقاومت اجتماعی تمرکز دارند و حزب توده را به‌عنوان بخشی از این پازل بزرگ‌تر می‌بینند. جان فوران در اثر خود، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، حزب توده را در کنار سایر جنبش‌ها و گروه‌های مقاومت اجتماعی قرار داده و به بررسی الگوهای مشترک و متفاوت کنش آن‌ها می‌پردازد. این دیدگاه، به شناخت ابعاد ریشه‌ای‌تر و پویایی‌های اجتماعی‌ای که منجر به ظهور و افول حزب توده شدند، کمک شایانی می‌کند

دستهٔ سوم شامل خاطرات و روایت‌های درونی از حزب توده است که، هرچند باید با رویکردی انتقادی مورد بررسی قرار گیرند؛ بااین‌حال، بینش‌های بی‌نظیری از درون سازمان و تفکرات رهبران آن ارائه می‌دهند.

کتاب *کژراهه: خاطراتی از تاریخ حزب توده* نوشته احسان طبری، از برجسته‌ترین نمونه‌های این دسته است. طبری به‌عنوان یکی از رهبران فکری حزب، دلایل شکل‌گیری، تحولات ایدئولوژیک و نقاط قوت و ضعف حزب را از دیدگاهی خودی مورد واکاوی قرار می‌دهد و به فهم ابعاد فکری و سازمانی حزب توده کمک شایانی می‌کند.

علاوه بر این منابع، پژوهشگران معاصر نیز با دسترسی به اسناد جدیدتر و رویکردهای تحلیلی نوین، به بررسی ابعاد خاص‌تر حزب توده پرداخته‌اند. ازجمله این پژوهشگران می‌توان به اصغر شیرازی اشاره کرد که در آثار متعدد خود، ازجمله کتابش با عنوان *مبارزان گمنام: تاریخچه سازمان افسران حزب توده ایران*، با اتکا به اسناد آرشیوی و تحلیل‌های دقیق، به روشنگری جنبه‌های کمتر شناخته‌شده این حزب کمک کرده است. کارهای شیرازی به دلیل دقت در مستندسازی و تحلیل‌های روشنگرانه، منجر به تصحیح برخی تصورات رایج و ارائه تصویری عینی‌تر از حزب توده شده است.

با وجود این حجم گسترده از مطالعات، هنوز جای خالی پژوهش‌هایی با تمرکز رویکرد تحلیل گفتمان و به‌طور خاص تحلیل گفتمان لاکلاو و موف احساس می‌شود. تحقیق حاضر، باهدف بررسی عمیق‌تر گفتمان این حزب و تحلیل گفتمان حاکم بر آثار و نشریات آن دوره، تلاش می‌کند تا با استفاده از تحلیل محتوای نشریات و آثار مرتبط با حزب در آن دوره، به این خلأ پژوهشی پاسخ دهد و به‌این‌ترتیب، سهمی در تکمیل پازل پیچیده تاریخ حزب توده ایران ایفا کند.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعه گفتمان، به‌ویژه در زمینهٔ جنبش‌های سیاسی، نقش حیاتی در درک پیچیدگی‌های مبارزات ایدئولوژیک و پیامدهای واقعی آن‌ها ایفا می‌کند. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران به‌طور گسترده‌ای از جنبه‌های مختلف بررسی شده است، با تمرکز زیاد بر ابعاد مذهبی و اسلامی آن. بااین‌حال، نقش ایدئولوژی‌ها ی چپ‌گرا، به‌ویژه سوسیالیسم که از سوی حزب توده مطرح و تبلیغ می‌شد، در بسیاری از پژوهش‌ها و روایت‌های تاریخی اغلب نادیده گرفته شده است. گفتمان سوسیالیستی حزب توده یک دیدگاه منحصربه‌فرد در تقاطع ایدئولوژی مارکسیستی، سیاست انقلابی و دینامیک‌های مبارزات سیاسی ارائه می‌دهد که باوجود تسلط نیروهای اسلامی، تلاش داشت فضایی سوسیالیستی در درون انقلاب ایجاد کند. با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف، این مطالعه به بررسی چگونگی تعامل گفتمان سوسیالیستی حزب توده با گفتمان گسترده‌تر انقلاب و چگونگی تأثیر آن در شکل‌دهی به هویت‌های سیاسی و اتحادهایی که انقلاب را تعریف کردند، می‌پردازد. ضرورت این مطالعه در کشف و تحلیل ابعاد نادیده‌گرفته شده گفتمان سوسیالیستی نهفته است (Laclau & Mouffe, 1985).

نظریهٔ گفتمان لاکلاو و موف چهارچوبی مستحکم برای توصیف چگونگی ساخت ایدئولوژی‌های سیاسی از طریق زبان و چگونگی تقاطع این ایدئولوژی‌ها با شکل‌گیری هژمونی گسترده‌تر ارائه می‌دهد. با به‌کارگیری این نظریه، مطالعه نشان خواهد داد که حزب توده چگونه سعی داشت یک هژمونی سیاسی ایجاد کند و مطالبات خود را در چهارچوب انقلاب بیان کرده و هویت‌های سیاسی را بسازد (Laclau & Mouffe, 1985).

۳. چهارچوب مفهومی

چهارچوب مفهومی این مقاله، نظریهٔ معنای لاکلاو و موف است. طبق نظر آن‌ها، ایدئولوژی‌ها و هویت‌های سیاسی موجودات ثابت نیستند، بلکه از طریق گفتمان ساخته می‌شوند. مبارزات سیاسی، ازجمله آنچه در انقلاب اسلامی ایران رخ داد، شامل فرایندی است که در آن مطالبات اجتماعی به جنبش‌های وسیع‌تری پیوند داده می‌شوند. این رویکرد نظری امکان تحلیل چگونگی ساخت هویت‌های سیاسی مختلف، مانند ایدئولوژی سوسیالیستی حزب توده، در ارتباط با گفتمان‌های هژمونیک، مانند گفتمان اسلامی و تلاش آن‌ها برای دستیابی به تسلط در عرصهٔ سیاسی را فراهم می‌آورد. عنصر مرکزی در این فرایند مفهوم هژمونی

است که به چگونگی تسلط یک گروه اجتماعی یا ایدئولوژی سیاسی بر منافع گروه‌های مختلف اجتماعی از طریق بیان مطالبات خاص و استفاده استراتژیک از زبان اشاره دارد (Laclau & Mouffe, 1985).

علاوه‌براین، لاکلاو و موف بر ماهیت تصادفی هویت‌های سیاسی و نقش مخالفت در شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی تأکید می‌کنند. هویت‌های سیاسی ثابت یا ذاتی نیستند، بلکه از طریق تعارض‌ها و مخالفت‌های ایدئولوژیک میان نیروهای مختلف سیاسی ساخته می‌شوند. انقلاب اسلامی ایران که با همگرایی چندین نیرو با ایدئولوژی‌های گوناگون (اسلامی، سوسیالیستی و ملی‌گرا) همراه بود، نمونه‌ای از تصادفی بودن هویت‌های سیاسی است. تلاش حزب توده برای شکل‌دهی به هویت سوسیالیستی در چنین چشم‌انداز ایدئولوژیکی بی‌ثبات، نشان‌دهنده نقش مخالفت در ساخت گفتمان سیاسی است. گفتمان اسلامی، به‌ویژه در مخالفت مستقیم با نیروهای چپ‌گرا، سکولار و سوسیالیستی قرار داشت که شرایطی از تعارض‌های سیاسی ایجاد کرد که بر شکل‌گیری و درنهایت حاشیه‌نشینی حزب توده تأثیرگذار بود. به‌کارگیری این چهارچوب نظری امکان تحلیل عمیق‌تر نحوه تعامل گفتمان حزب توده با این تعارض‌ها را فراهم می‌آورد.

نظریهٔ معنای لاکلاو و موف که مبتنی بر ساختارگرایی است ابزار مناسبی را برای توصیف گفتمان و اجزای تشکیل‌دهنده آن فراهم می‌کند. آن‌ها برای توصیف هر گفتمان، از مفاهیم زیر استفاده می‌کنند:

> لاکلاو و موف بحث خود درباره گفتمان را با نقدی بر دیدگاه فوکو آغاز می‌کنند. به نظر آن‌ها تمایز فوکو میان نهادهای گفتمانی و غیر گفتمانی نه‌تنها متناقض است، بلکه قابل دفاع نیز نیست. از دید این دو نظریه‌پرداز، اگر گفتمان سازنده ابژه‌هاست، پس هر ابژه‌ای در درون گفتمان شکل می‌گیرد و به‌وسیلهٔ آن تعریف می‌شود؛ بنابراین تفکیک میان عناصر گفتمانی و غیر گفتمانی یا بی‌معنی است یا نوعی تمایز گذاری درونی است که فقط در چهارچوب همان گفتمان معنا پیدا می‌کند. البته این به معنای کاهش همه‌چیز به‌صرف کلمات و زبان نیست (نش، ۱۳۸۰)

نظریه معنای لاکلاو و موف که بر مبنای ساختارگرایی است، چهارچوب مناسبی را برای شرح گفتمان و اجزای آن فراهم می‌آورد. آن‌ها برای تحلیل هر گفتمان از مجموعه

مفاهیمی استفاده می‌کنند که شامل نقاط کانونی[1]، انجماد[2]، دقیقه[3]، عنصر[4]، مفصل‌بندی[5]، دال شناور[6]، دال تهی[7]، دال برتر[8]، موقعیت سوژه‌ای[9] و هویت می‌شود. در ادامه، ابتدا هر یک از این مفاهیم تعریف و سپس رابطه آن‌ها با یکدیگر توضیح داده خواهد شد.

نقاط کانونی در نظریهٔ لاکلاو و موف به نشانه‌های برجسته‌ای اشاره دارد که معناهای دیگر حول آن شکل می‌گیرند و سایر نشانه‌ها معنای خود را از ارتباط با این نقاط می‌گیرند (Laclau & Mouffe, 1985, p. 112). برای مثال، «بدن» یک نقطهٔ کانونی است که معانی مختلفی مانند علائم بیماری، بافت و جراحی به شیوه‌های فرهنگی متفاوت حول آن شکل می‌گیرند. در گفتمان‌های سیاسی، «دموکراسی» و در گفتمان‌های ملی، «مردم» نمونه‌هایی از نقاط کانونی هستند.

عناصر به نشانه‌هایی اطلاق می‌شود که معنایشان تثبیت نشده یا به عبارتی چندمعنایی هستند. دقایق، بااین‌حال، به عناصری گفته می‌شود که در داخل گفتمان و از طریق مفصل‌بندی معنا پیدا کرده‌اند و معنایشان نسبتاً تثبیت شده است. به‌این‌ترتیب، گفتمان با کاهش ابهام تلاش می‌کند عناصر را به دقایق تبدیل کند. این فرایند که لاکلاو و موف آن را «انجماد» می‌نامند، یک توقف موقتی در سیالیت معناست؛ ولی این توقف هرگز کامل نیست و تبدیل کامل عناصر به دقایق هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد (Laclau & Mouffe, 1985, p. 110).

به‌عنوان نمونه، «بدن» تا زمانی که چندین برداشت رقیب دربارهٔ آن وجود دارد، یک عنصر باقی می‌ماند؛ بااین‌حال، در گفتمان غالب پزشکی غربی، بدن می‌تواند به‌گونه‌ای روشن و بدون ابهام تعریف شده و به دقایق تبدیل شود. همچنین این امکان وجود دارد که در گفتمان‌های مختلف و هم‌زمان، بدن به اشکال متفاوت و بی‌ابهام تعریف شود.

مفصل‌بندی به فرایندی گفته می‌شود که در آن ارتباط میان عناصر برقرار می‌شود و هویت آن‌ها تغییر می‌یابد. لاکلاو و موف معتقدند که یک نشانه به‌خودی‌خود تعیین نمی‌کند چگونه

1. nodal point
2. closure
3. moment
4. element
5. articulation
6. floating signifier
7. empty signifier
8. master signifier
9. subject position

باید در نسبت با دیگر نشانه‌ها قرار گیرد، بلکه این امر از طریق عمل مفصل‌بندی محقق می‌شود (Jorgensen & Phillips,2002, p.28).

دال‌های شناور، اصطلاحی است که لاکلاو و موف برای توصیف عناصری به کار می‌برند که می‌توانند معانی مختلفی داشته باشند و گفتمان‌های مختلف برای تعیین معنای آن‌ها به رقابت می‌پردازند. نقاط کانونی ازجمله دال‌های شناور هستند (Jorgensen & Phillips,2002, pp.28-29).

لاکلاو مفهوم «دال تهی» را برای گسترش نظریه ساختاربندی گفتمانی معرفی کرده است. او معتقد است عرصهٔ اجتماعی هرگز بسته نیست و فعالیت‌های سیاسی تلاش می‌کنند این عدم انجماد را برطرف کنند. اگرچه کلیت و تمامیت اجتماعی هرگز به‌طور کامل قابل دستیابی نیست، این آرمان همچنان ضرورت دارد و برای تحقق آن دال تهی اهمیت دارد (Howarth & Stavrakakis, 2000, pp. 7-9)؛ بنابراین مفصل‌بندی یک گفتمان سیاسی می‌تواند حول یک دال تهی به‌عنوان نقطه کانونی صورت گیرد. به‌عبارت‌دیگر، تخلخل یا تهی بودن یک نقطه کانونی، شرط مهمی برای موفقیت هژمونیک آن است. اگرچه لاکلاو مثال «نظم» را به کار می‌برد؛ بااین‌حال، معتقد است هر مفهوم دیگری نیز می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. به‌عبارت‌دیگر، هر مفهومی که در زمینهٔ اجتماعی خاصی به‌عنوان دال فقدان چیزی ظاهر شود، همان عملکرد را دارد.

موقعیت سوژه‌ای به موقعیت‌هایی اشاره دارد که گفتمان‌ها برای افراد طراحی می‌کنند تا آن‌ها را به‌عنوان سوژه اشغال کنند. (Jorgensen & Phillips, 2002, p.41).

مفهوم «دال برتر» که برگرفته از اندیشه‌های لاکان است، در نظریهٔ لاکلاو و موف به دال‌هایی اطلاق می‌شود که به‌مثابه نقاط کانونی در شکل‌گیری هویت ایفای نقش می‌کنند. برای مثال، «مرد» می‌تواند یک دال برتر باشد که گفتمان‌های مختلف برای پر کردن آن معانی متعددی ارائه می‌دهند. این کار از طریق پیوند دال‌ها در زنجیره هم‌ارزی انجام می‌شود که هویت را به شکل رابطه‌ای شکل می‌دهد (Laclau & Mouffe,1985, p.12).

هویت در نظریهٔ گفتمان به چگونگی شکل‌گیری نظام‌مند هویت سوژه‌ها و ابژه‌ها از طریق مفصل‌بندی مجموعه‌ای از عناصر دلالت‌گر در قلمرو گفتمانی اشاره دارد. این نظریه بر امکان‌پذیری همه هویت‌های اجتماعی تأکید دارد؛ بااین‌حال، تثبیت نسبی آن‌ها را نیز ضروری می‌داند. به اعتقاد لاکلاو و موف، هویت از طریق عمل مفصل‌بندی یا بازمفصل‌بندی عناصر شکل می‌گیرد، به این معنا که هویت ناشی از رابطه‌ای است که از طریق مفصل‌بندی میان عناصر برقرار می‌شود (Howarth & Stavrakakis, 2000, p. 7).

اکنون می‌توانیم تمام این مفاهیم را به یکدیگر مرتبط کنیم. بر اساس نظریهٔ لاکلاو و موف، گفتمان مجموعه‌ای از دال‌هاست که حول یک یا چند نقطه کانونی، دال برتر یا دال تهی مفصل‌بندی می‌شوند. عمل مفصل‌بندی باعث می‌شود دال‌ها و سوژه‌ها معانی، هویت‌ها و موقعیت‌های خاصی پیدا کنند. این تخصیص معنا، هویت و موقعیت، سایر معانی، هویت‌ها و موقعیت‌ها را طرد می‌کند. آنچه طرد شده وارد قلمرو گفتمانیت می‌شود و به‌عنوان رقبا در برابر مفصل‌بندی غالب حضور دارد و ممکن است در زمان‌های دیگر به‌جای آن مفصل‌بندی غالب تبدیل شود. به گفتهٔ لاکلاو و موف، همواره در کشاکش میان گفتمان‌ها، دال‌هایی وجود دارد که بر سر معنای آن‌ها بحث و نزاع است که به این دال‌ها «دال‌های شناور» گفته می‌شود.

به گفتهٔ لاکلاو و موف، هدف گفتمان تبدیل «عناصر» به «دقایق» از طریق انجماد و زدودن ابهام است؛ بااین‌حال، این هدف هرگز به‌طور کامل محقق نمی‌شود؛ زیرا امکانات معنایی که گفتمان‌های رقیب در قلمرو گفتمانیت ایجاد می‌کنند، همواره تهدیدی برای ثبات معنا محسوب می‌شوند. بنابراین، حتی دقایق نیز بالقوه چندمعنایی هستند و این بدان معناست که دقایق همیشه ممکن است به «عناصر» تبدیل شوند.

۴. روش‌شناسی

در این پژوهش، روش‌شناسی مورد استفاده تحلیل گفتمان است که به‌طور خاص بر پایهٔ چهارچوب نظری لاکلاو و موف پیرامون مفاهیم هژمونی و گفتمان شکل گرفته است. تحلیل گفتمان به‌منظور بررسی فرایند ساخت هویت‌های سیاسی و بیان خواسته‌های ایدئولوژیک حزب توده در جریان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به کار گرفته شده است. این رویکرد امکان می‌دهد تا به‌صورت انتقادی نحوهٔ پیدایش، تقابل و نهایتاً کنار گذاشته شدن گفتمان سوسیالیستی حزب توده در رقابت سیاسی میان نیروهای چپ‌گرای سوسیالیست و جریان‌های اسلامی تحلیل شود. با بهره‌گیری از دیدگاه لاکلاو و موف، پژوهش بر چگونگی شکل‌گیری و بازآفرینی سوژه‌های سیاسی، هویت‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها از طریق زبان تمرکز دارد.

در بخش گردآوری داده‌ها، روش اصلی مطالعه، تحلیل کیفی منابع اولیه‌ای است که حزب توده در دوران انقلاب ۱۳۵۷ تولید کرده است. این منابع شامل جزوات، منشورها، سخنرانی‌ها، مقالات چاپ شده در روزنامه‌های وابسته به حزب و سایر نشریات مرتبط است

که بیانگر زبان سیاسی و بیان بلاغی حزب در آن دوره می‌باشند. علاوه‌براین، منابع ثانویه مانند گزارش‌های تاریخی و پژوهش‌های پیشین پیرامون نقش حزب توده در انقلاب نیز به‌منظور شناسایی عناصر کلیدی گفتمان حزب مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی و به‌ویژه تحلیل گفتمان، تفاوت بنیادینی با نمونه‌گیری آماری دارد. در این نوع تحقیق، نمونه‌ها بر اساس شاخص‌های نظری و هدفمند انتخاب می‌شوند؛ به این معنا که نمونه‌ها باید با نظریه همخوانی داشته باشند، آن را توسعه دهند یا مفاهیم نظری را کامل‌تر کنند و نمونه‌هایی را ارائه دهند که بتوانند انواع مختلف گفتمان‌ها را نمایندگی کنند. در این مطالعه، پس از مشورت با کارشناسان حوزه گفتمان‌های مربوط به ایران در بازه زمانی موردنظر، افراد، متون و نمونه‌های برجسته‌ای که قابلیت بازنمایی هر یک از گفتمان‌ها را دارند، انتخاب و تحلیل خواهند شد.

روش تحلیل داده‌ها در تحلیل گفتمان به‌شدت مبتنی بر نظریه است و بسته به رویکرد نظری انتخابی، روش‌های متفاوتی برای تحلیل پیشنهاد می‌شود. در این پژوهش، روش‌های تحلیل عمدتاً بر اساس نظریه معنایی لاکلاو و موف استوار است؛ بنابراین گفتمان‌های حاضر از طریق بررسی اسناد و مدارک موجود و سایر تحلیل‌های پیشین دربارهٔ نظم گفتمانی شناسایی می‌شوند. برای تشخیص گفتمان‌ها، لازم است تعریفی از گفتمان و ویژگی‌های آن موردتوجه قرار گیرد. به‌طور خلاصه، مطابق نظریه معنایی لاکلاو، موف و فرکلاف، برای توصیف نظم گفتمان و گفتمان‌ها، پژوهشگر باید به پرسش‌های کلیدی پاسخ دهد.

برای تضمین اعتبار و صحت یافته‌های تحقیق، در این مقاله تلاش شده است نمونه‌های مناسبی انتخاب شود، از روش تلفیق که می‌یر و وداک مطرح کرده‌اند بهره گرفته شود، نمونه‌ها بر اساس نظریه و نظرات متخصصین برگزیده شوند، انسجام میان روش‌شناسی و فرایند تحقیق رعایت شود، مراحل مختلف تحقیق به‌روشنی بیان شود، از منابع متنوع استفاده گردد و تا حد امکان تحقیق جامع و شفاف باشد. نویسنده همچنین سعی دارد با تحلیل دقیق متن و استفاده از روش‌های مختلف معناشناسی، همه جنبه‌های مربوط به سؤال تحقیق را در نظر بگیرد (Jorgensen & Phillips, 2002, pp.171-173؛ Jager, 2001, pp.51-52؛ Meyer & Wodak, 2001, p.29؛ سیلورمن ۱۳۷۹، ص. ۵۶؛ ون دایک، ۱۳۸۲؛ ادیب حاج باقری و همکاران ۱۳۸۵).

۵. یافته‌ها

برای شناخت عناصر گفتمان سوسیالیسم، چون این گفتمان را حزبی متشکل و دارای تشکیلات نسبتاً منسجم نمایندگی می‌کند، یکی از بهترین راه‌ها، غور و تفحص در موضع‌گیری‌ها، انتشارات حزبی با تأکید بر اشخاص مهم و تأثیرگذار حزب است. با توجه به نکات فوق برای شناخت گفتمان حزب توده متون زیر مورد تحلیل واقع شده‌اند:

- **متن پلنوم‌های پانزده گانهٔ حزب توده:** از آغاز تأسیس حزب توده تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۵ پلنوم یا جلسه از سوی کمیتهٔ مرکزی حزب برگزار شد. در این جلسات، عملکرد گذشته حزب مورد بررسی قرار می‌گرفت، استراتژی‌های جدید آن تعیین می‌شد و مواضع و دیدگاه‌های حزب در قبال مسائل مختلف اعلام می‌گردید. مطالب این پلنوم‌ها نیز به‌طور گسترده از طریق نشریات حزبی و رادیو پیک ایران منتشر می‌شد.

- **اساسنامهٔ حزب توده:** اساسنامهٔ حزب توده مصوب پلنوم دوم کمیتهٔ مرکزی که در پلنوم‌های بعدی بدون تغییر در اصول کلی آن در برخی جزئیات مثل شرایط عضوگیری و غیره تغییراتی ایجاد گردید.

- **مجموعه فصلنامه دنیا از زمان شروع انتشار این فصلنامه از بهمن ۱۳۱۲ تا بهمن ۱۳۵۷:** از نشریات حزبی که به‌خوبی بنیان تئوریک حزب را به مردم معرفی می‌کند فصلنامه تئوریک دنیاست. *فصلنامه دنیا*، ابتکار تقی آرانی است. شماره اول این مجله در اول بهمن‌ماه ۱۳۱۲ منتشر گردید.

- **برخی از نوشتارها و گفتارهای احسان طبری[1] و نورالدین کیانوری.** نورالدین کیانوری و احسان طبری تئوریسین حزب توده از اشخاص مهم و تأثر گذار حزب توده می‌باشند. نورالدین کیانوری به‌عنوان دبیر اول کمیتهٔ مرکزی مؤثرترین فرد در موضع‌گیری‌های حزب توده است. لذا به همین جهت در این مقاله جهت شناخت عناصر گفتمان سوسیالیسم، بر متون او تأکید خاصی شده است.

متونی از نورالدین کیانوری که در تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

الف) یکی از متون مورد استفاده، مقاله‌ای از نورالدین کیانوری است که در کتاب *دربارهٔ حزب (نکاتی چند دربارهٔ تحول حزب به‌مثابه حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر)* منتشر شده است. این کتاب مجموعه‌ای از ۱۸ مقاله مستقل است که یکی از آن‌ها، با عنوان «حزب توده

۱. متون طبری بیشتر مقالاتی هستند که در *دنیا* منتشر شده‌اند و همه آن‌هایی که مرتبط با موضوع مقاله هستند وارد تحلیل گردیده‌اند.

ایران پیگیرترین نیروی ضد امپریالیستی و دموکراتیک کشور همه نیروها را به وحدت در جبهه ضد دیکتاتوری فرامی‌خواند»، نوشته نورالدین کیانوری است.

ب) کتاب *حزب توده ایران و مسائل میهن انقلابی ما (مجموعه مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها ۱۳۶۰-۱۳۵۷)* این کتاب مشتمل بر ۶۰ مقاله، سخنرانی و مصاحبه است. ۴ مورد از این مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات متعلق به سال ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب و مرتبط با موضوع حاضر می‌باشند که برای تحلیل انتخاب شده‌اند. این مقالات عبارتند از:

- «جنبش دلیرانهٔ مردم تبریز نمودار برجستهٔ بحران اجتماعی عمیق در کشور ما» (دربارهٔ قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز) (کیانوری، ۱۳۶۱، صص. ۱۷-۹).
- «جنبش ضداستبدادی ایران هر روز دامنه‌دارتر می‌شود (باید هم‌زمان با این گسترش کمی کیفیت آن را به‌طور همه‌جانبه بالا ببریم)» (کیانوری، ۱۳۶۱، صص. ۲۸-۱۹).
- «شاه سراسیمه دندان نشان می‌دهد؛ ولی مردم جان به لب رسیده را باکی نیست (شیوه‌های مختلف رژیم استبدادی برای مقابله با نهضت مردم)» (صص. ۳۷-۲۹).
- «تنها با اتحاد و وحدت عمل همه نیروهای ملی و آزادی‌خواه می‌توان رژیم استبداد را سرنگون ساخت» (کیانوری، ۱۳۶۱، صص. ۴۴-۳۹).

ج) علاوه بر متون فوق، مجموعه‌ای از مقالات کیانوری که در مجلهٔ تئوریک دنیا به چاپ رسیده‌اند، نیز در چهارچوب این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

- برخی از سخنرانی‌ها و نمایندگان حزب در جلسات مختلف و برخی از نوشته‌های روزنامه مردم به‌عنوان یکی از ارگان‌های حزب توده.

با غور و تفحص در متون بالا، بر اساس چهارچوب نظری اتخاذ شده، پاسخ گفتمان سوسیالیسم به سؤالات مطروحه در چهارچوب نظری و روشی عبارت است از این گفتمان به چه ابعادی از جهان معنا می‌دهد؟ این گفتمان اساساً، با الهام از تعالیم مارکس، گفتمانی مادی است و اساس و پایه جهان را کلاً مادی می‌داند و منکر معاد و آخرت است و زندگی را با مرگ خاتمه یافته می‌داند و مرگ را به معنای نیستی و فنا شدن قلمداد می‌کند. این گفتمان سعی دارد با پایه قرار دادن اقتصاد به‌عنوان زیربنا، به ابعاد دیگر جهان معنایی اقتصادی و مادی بدهد. این گفتمان بر اساس تعالیم مارکس، اقتصاد را به‌عنوان زیربنا و تعیین‌کنندهٔ فرهنگ، سیاست و اجتماع به‌عنوان روبنا معرفی می‌کند و با تبعیت از نظریهٔ لنین و تغییراتی که او در نظریهٔ مارکس به وجود آورد، سعی دارد طرحی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را پایه‌ریزی کند و برای دستیابی به آن به مبارزه بپردازد. به‌عنوان نمونه، کیانوری در پاسخ به سؤال زیر:

نخستین برنامهٔ حزب توده ایران، در چنان شرایطی برای تغییر مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران چه نکاتی را مطرح ساخت؟ پاسخ می‌دهد: در آغاز برنامه حزب، یک برنامهٔ بسیار ساده برای جلب همه نیروهای ضد فاشیست بود. در آن زمان نیروهای ارتجاعی در ایران خیلی نیرومند بودند. قوانین ارتجاعی حاکم بود. ... از همان اول معلوم بود که حزب تودهٔ ایران حزب طبقهٔ کارگر است، حزب کمونیست‌های ایران است، جهان‌بینی‌اش مارکسیسم- لنینیسم است. از روز اول به ترجمه و انتشار آثار مارکسیسم- لنینیسم پرداخت و هیچ‌کس در آن تردید نداشت که این حزب چه ماهیتی دارد، نه ارتجاع در آن تردید داشت نه مردم. ما در آن شرایط مجبور بودیم در برنامه اول حزب صورت ظاهر را حفظ کنیم و فقط برنامه حداقل حزب کمونیست‌ها را به‌طور علنی مطرح کنیم. این مسئله تا کنگره اول حزب در سال ۱۳۲۳ بود. در کنگره برنامه قاطع‌تر شد، جنبهٔ طبقاتی حزب روشن شد، موضع خودش را در مقابل مسئلهٔ ارضی و سیاسی روشن کرد و سمت‌گیری کامل خود را ازلحاظ تئوری و جهان‌بینی و دورنماها و اهداف سیاسی که برای آن‌ها مبارزه می‌کرد، همه را مشخص کرد. در کنگرهٔ اول حزب برنامهٔ مدونی، کامل‌تر از برنامه موقتی که قبلاً تنظیم شده بود، مورد تصویب قرار گرفت. این برنامه یک برنامه دموکراتیک بود. اصلاحات ارضی عمیق و همه‌جانبه، مصادرهٔ املاک مالکین بزرگ و تقسیم بلاعوض آن‌ها در بین دهقانان و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران، تأمین استقلال و آزادی ایران و دفاع از حقوق ملی ملت‌های ستمدیده و زیرستم غیر فارس در ایران، این‌ها بود نکات عمده سمت‌گیری ما در آن دوران (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، ص. ۳۰۷).

با بررسی متون اصلی این گفتمان، می‌توان به‌طور خلاصه معانی نسبت داده شده به ابعاد چهارگانهٔ اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سیاست از سوی آن را به شرح زیر توصیف کرد:

اقتصاد: اقتصاد، در این گفتمان، اقتصادی سوسیالیستی، دولتی و متمرکز است. این گفتمان مخالف با مالکیت خصوصی و سرمایه‌داری و مدافع اقتصاد دولتی و سوسیالیستی است. به‌عنوان نمونه، به چند مورد از متون این گفتمان استناد می‌نماییم:

بر اساس آنچه در کمیته پلنوم هشتم در ۱۳۳۹ به تصویب کمیته مرکزی رسیده با نفی اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد متمرکز و دولتی لازمهٔ پیشرفت ایران معرفی شده است. در

مصوبات این پلنوم آمده است:

ایـران ازلحاظ اقتصادی، کشوری است عقب‌مانده و اشکال مختلف اقتصادی مانند اقتصاد طبیعی، خرده کالایی، سرمایه‌داری (اعم از سرمایه‌داری خصوصی، دولتی و امپریالیستی) در کنار هم قرار دارند. کشور ما به‌استثنای صنایع نفت که در دست سرمایه‌داران امپریالیستی است فاقد صنایع سنگین است. در حیات اقتصادی ایران نقش عمده را سرمایه‌داری انحصاری امپریالیستی ایفا می‌کند. برای پیشرفت و تکامل اقتصادی کشور ما باید این وضع از بیخ و بن دگرگون شود و سیستم نوین اقتصاد ملی، مستقل، مترقی، متمرکز، هماهنگ، طبق نقشه و بر پایه تکنیک معاصر بر اساس منافع خلق ایجاد گردد (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، ص. ۴۱۹).

در ذیل اصل پنجم مرامنامه و برنامه و نظام‌نامه حزب توده ایران مصوب نخستین کنگرهٔ حزب توده ایران که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۳۲۳ با شرکت ۱۶۴ نماینده در کلوپ مرکزی حزب تشکیل شد آمده است: «حزب توده ایران با آثار اقتصادی رژیم‌های کهنه اجتماعی مانند اقتصادی شبانی و فئودالیسم مبارزه می‌کند و طرفدار یک دستگاه اقتصادی مترقی و متمرکز بر حفظ منافع اکثریت مردم ایران است» (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، ص. ۶۵).

همچنین در ذیل برنامه‌های اقتصادی حزب آمده است:

۱. تعدیل مالیات‌ها با در نظر گرفتن منافع توده و سعی در تقلیل مالیات‌های غیرمستقیم و اجرای کامل قانون مالیات بر درآمد؛ ۲. تأمین استقلال اقتصادی ایران به‌وسیله تأسیس و توسعه و تشویق صنایع و ایجاد صنایع سنگین مخصوصاً به‌وسیله دولت و سعی در استفاده از منابع طبیعی به وسایل ملی؛ ۳. توسعه و تکمیل کارخانه‌های دولتی و معادن و جلوگیری از کاهش محصولات آن‌ها؛ ۴. وضع مالیات تصاعدی و تعدیل نرخ سود؛ ۵. رهبری و اداره امور اقتصادی به‌وسیله دولت (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، ص. ۶۸).

سیاست: سیاست در این گفتمان، به‌منزله روبناست و روابط و نوع نظام اقتصادی است که تعیین‌کنندهٔ نوع نظام سیاسی است. به‌عنوان‌مثال، نظام سیاسی در اقتصاد سرمایه‌داری، نظام سرمایه‌داری است و در اقتصاد دولتی که مالکیت خصوصی در آن الغا می‌شود، نظام سیاسی، سوسیالیستی است. در مرامنامهٔ حزب توده ایران در ذیل اهداف مبارزه سیاسی آمده است:

۱. مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوقی فردی و اجتماعی از قبیل آزادی زبان- قلم- عقیده و اجتماعات؛ ۲. مبارزه علیه رژیم دیـکتاتوری و استبداد؛ ۳. الغای کلیه قوانین و نظاماتی که به ضرر توده وضع گردیده است؛ ۴. تجدیدنظر در قانون انتخابات به‌نحوی‌که آزادی رأی واقعاً برای انتخاب‌کنندگان میسر شود؛ ۵. تساوی کامل حقوق اجتماعی بین کلیه افراد ملت ایران قطع‌نظر از مذهب و نژاد؛ ۶. آزادی کامل برای افراد اقلیت در امور فرهنگی و مذهبی خود (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، صص. ۶۶- ۶۵).

فرهنگ و اجتماع: فرهنگ و اجتماع، همانند سیاست در این گفتمان حکم روبنا را دارند و نظام اقتصادی است که تعیین می‌کند فرهنگ و روابط اجتماعی چگونه باید باشد. در اقتصاد سرمایه‌داری، فرهنگ سرمایه‌داری و مصرفی و روابط اجتماعی سرمایه‌داری حاکم است و در نظام سوسیالیستی، فرهنگ و روابط اجتماعی نیز سوسیالیستی است. فرهنگ و اجتماع در این گفتمان معنای خود را از تعالیم مارکس و لنین می‌گیرند و دارای همان معنایی هستند که مارکسیسم- لنینیسم به آن‌ها داده است.

در خصوص وضعیت اجتماعی در مصوبات پلنوم هشتم ذیل عنوان «اصلاحات اجتماعی» آمده است:

در جامعه کنونی ایران اکثریت مطلق مردم به‌ویژه توده‌های وسیع زحمت‌کش ازلحاظ اقتصادی و اجتماعی در شرایط دشوار زندگی می‌کنند... سیاست ارتجاعی هیأت حاکمه ایران در مقابل ترقی و پیشرفت فرهنگ ملی خلق‌ها و اقلیت‌های ملی موانع همه‌جانبه ایجاد نموده است. این وضع رقت‌بار به‌هیچ‌وجه متناسب با مدنیت معاصر و درخور مردم مستعد و زحمتکش ما نیست. باید این وضع از بنیاد تغییر کند و آن‌چنان شرایط رفاه و ترقی عمومی به وجود آید که شایسته تمدن کنونی باشد. باید حق کار، حق تحصیل و استراحت برای کلیه افراد کشور تأمین گردد. فرهنگ ایران باید دارای مضمون دموکراتیک و شکل ملی باشد (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، ص. ۴۲۲).

نقطه یا نقاط کانونی این گفتمان چیست؟ نقطه کانونی این گفتمان مارکسیسم- لنینیسم است. همه دال‌های دیگر در ارتباط با مارکسیسم- لنینیسم است که معنای خود را می‌یابند. علاوه بر اینکه همه دال‌های دیگر معنای خود را از این دال می‌گیرند از فراوانی بسیار زیادی در متون این گفتمان نیز برخوردار است. اگر بخواهیم بدانیم معنای عدالت چیست باید

به مارکسیسم- لنینیسم رجوع کنیم اگر بخواهیم معنای هر دال دیگر را بفهمیم نیز باید به مارکسیسم- لنینیسم رجوع نماییم. طرفداران این گفتمان برای درستی مدعاهای خود همیشه به ایدئولوژی مارکسیسم- لنینیسم و گفته‌های مارکس و لنین ارجاع می‌دهند و خواهان عملی نمودن مارکسیسم- لنینیسم ناب هستند.

به‌عنوان نمونه، در اساسنامه حزب توده، تغییریافته پلنوم هشتم، آمده است:

> حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر در سرتاسر ایران و عالی‌ترین شکل سازمانی این طبقه است. حزب توده ایران، اتحاد داوطلبانه مبارزین پیشرو طبقات و قشرهای زحمت‌کش ایران، کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و افرادی است که برنامه‌اش را می‌پذیرند و در راه تحقق آن گام برمی‌دارند. جهان‌بینی حزب توده ایران مارکسیسم- لنینیسم است و اصول تشکیلاتی وی از این جهان‌بینی ناشی می‌شود. حزب توده ایران، اعضای خود را با روح وفاداری به منافع طبقه کارگر و جنبش رهایی‌بخش مردم ایران و با روح میهن‌پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری پرورش می‌دهد. هدف حزب توده ایران در مرحله کنونی عبارت است از انجام تحول دموکراتیک در جامعه که مضمون اساسی آن برانداختن نفوذ امپریالیسم و تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و ریشه‌کن کردن مناسبات ارباب- رعیتی است (حزب توده ایـران، ۱۳۶۰، ص. ۴۲۵).

دال برتر این گفتمان چیست؟ دال برتر یا هویت‌دهندهٔ این گفتمان، مارکسیست- لنینیست است. حاملان این گفتمان خود را مارکسیست- لنینیست می‌نامند و دیگران را غیر مارکسیست- لنینیست خطاب می‌کنند.

دال (دال‌های) تهی این گفتمان چیست؟ دال‌های تهی در این گفتمان عبارتند از: برابری و عدالت، آزادی، استقلال از دنیای سرمایه‌داری و پیشرفت. متون این گفتمان به‌کرات و با فراوانی بسیار زیاد از نبودِ عدالت و برابری در جامعه، وجود جامعه طبقاتی و نابرابری، نبود آزادی، پیشرفت و وجود استبداد و دیکتاتوری و وابستگی ایران به دنیای سرمایه‌داری، بالأخص آمریکا و انگلیس، سخن به میان می‌آورند.

به‌عنوان نمونه، ذیل اصل دوم مرامنامه حزب توده ایران مصوب ۱۳۲۳ آمده است: «حزب توده ایران طرفدار استقلال و تمامیت ایران است و علیه هرگونه سیاست استعماری نسبت به آن مبارزه می‌کند».

همچنین در اساسنامه این حزب، مصوب کنگره دوم که با شرکت ۱۱۸ عضو در تاریخ پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۷ در کلوپ مرکزی حزب گشایش یافت، با توجه به نبودِ آزادی و استقلال آمده است: «۱. حزب توده ایران، حزب پیشروترین افراد ملت ایران است و در مبارزه خود به خاطر آزادی و استقلال ایران بر اصول علمی مبارزه متکی است؛ ۲. حزب توده ایران، رهبر مبارزه‌ای است که کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران آزادی‌خواه ملت ایران برای آزادی کشور از یوغ استعمار و در راه برقراری اصول دموکراسی واقعی آغاز نموده‌اند» (حزب توده ایران، ۱۳۵۷، ص. ۱۴۷).

همچنین در متن منتشرهٔ پلنوم پنجم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران که از تاریخ چهارشنبه هفتم اسفندماه ۱۳۳۶ با حضور اعضای کمیتهٔ مرکزی، مشاورین و ناظرین تشکیل شد، دربارهٔ وابستگی، استبداد و نبودِ آزادی و استقلال آمده است:

> در میهن ما رژیم کودتا یعنی دیکتاتوری مرتجع‌ترین عناصر طبقات حاکمه ایـران- ملاکین بزرگ و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم- برقرار است. این رژیـم که با دخالت مستقیم امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس و بر اثر کودتای ضد ملی مردادماه سال ۱۳۳۲ روی کار آمده، رژیمی است غاصب، استبدادی، دست‌نشاندهٔ مستقیم امپریالیست‌ها و متکی به ترور. شاه و دربارش مرکز ثقل رژیـم کودتا بوده و سرنگون کردن رژیم کودتا بدون برچیدن بساط سلطنت محمدرضا شاه مقدور نیست (حزب توده ایران، ۱۳۵۷، ص. ۳۹۶).

همچنین احسان طبری در خصوص استبداد و وابستگی و نبودِ آزادی و استقلال در مقدمهٔ ویژه‌نامهٔ دنیا که به مناسبت پنجاه‌سالگی رژیم پهلوی منتشر شد، می‌نویسد:

> با غرور می‌توان گفت علی‌رغم اینکه سنگ‌ها را بسته و سگ‌ها را گشاده‌اند و شاه و سخن‌گویانش در میدان خالی میدان‌دار و متکلم وحده شده‌اند و هر روز کوهی تبلیغات رادیویی، تلویزیونی، مجله‌ای، روزنامه‌ای، کتابی و از پشت انواع تریبون‌ها و از راه اقسام مصاحبه‌ها تحویل جامعه می‌دهند بااین‌حال، خلق‌های کشور ما فریب تبلیغات انقلاب سفید و سیاست مستقل ملی و تمدن بزرگ و به دست ایرانی به فکر ایرانی و امثال این خزعبلات را نخورده‌اند و می‌دانند که سلسله پهلوی یک سلسله تحمیلی از جانب اجانب امپریالیستی برای اجرای وظایف معین است و این نشانه شم سالم و درک روشن مردم و مایه غرور هر ایرانی شیفته آزادی و استقلال میهن است (طبری، احسان و دیگران، ۱۳۵۴، ص. ۴).

همچنین منوچهر بهزادی، در مقاله‌ای در ویژه‌نامه دنیا تحت عنوان «دودمان پهلوی- دشمن فرهنگ آزاد و مترقی» در خصوص وجود ارتجاع و نبودِ پیشرفت و ترقی می‌نویسد:

> ایــران عزیز ما ارثیه‌ای غنی و گران‌بها از فرهنگ دارد که نتیجهٔ کار خلاق مردم میهن ما طی قرون و اعصار گذشته است. دودمان پهلوی، طی پنجاه سال حکومت غاصبانه خود بر مردم ایران، چه بر سر این فرهنگ آورده و چگونه مانع رشد آزاد و ترقی آن شده، داستانی است دردناک و برانگیزاننده خشم که در این مختصر نمی‌گنجد... بنیادی مادی فرهنگ در ایران ضعیف است، فرهنگ در ایران از رشد آزادانه محروم است، نظام آموزشی ایران طبقاتی است، در دستگاه آموزشی ایران هرج‌ومرج حکم‌فرماست، ستم ملی مانع رشد فرهنگ خلق‌های ایران است، فرهنگ ایران به عرصهٔ سوداگری سرمایه خصوصی داخلی و خارجی مبدل شده است، ایدئولوژی بورژوازی امپریالیستی حاکم بر فرهنگ ایران است، دودمان پهلوی پاسدار ارتجاع در فرهنگ ایران است، خلق‌های ایران برای یک فرهنگ آزاد و مترقی مبارزه می‌کنند (۱۳۵۴، صص. ۱۱۹ - ۱۱۴).

نورالدین کیانوری، در مقاله‌ای در *دنیا* تحت عنوان «جنبش ضداستبدادی ایران هر روز دامنه‌دارتر می‌شود» با توجه به نبودِ آزادی و پیشرفت تنها راه گسترش آزادی و پیشرفت را سرنگونی رژیم استبدادی پهلوی می‌داند و می‌نویسد: «نخستین هدف سیاسی حزب برای باز کردن راه گسترش آزاد جامعه ایران به‌سوی آزادی و پیشرفت اجتماعی، سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است و راه رسیدن به این هدف به‌هم‌پیوستگی همه نیروهای ضداستبداد و در درجه اول کارگران و سایر زحمت‌کشان شهر و ده، روشنفکران، سربازان، درجه‌داران و افسران آزادی‌خواه است» (کیانوری، ۱۳۶۱، ص. ۲۴).

همچنین در متن مصوبات پلنوم هشتم کمیته مرکزی حزب توده ایران که در روز ۱۱ مردادماه ۱۳۳۹ تشکیل شد، دربارهٔ نبودِ آزادی، استقلال و پیشرفت و وجود وابستگی و استبداد و ارتجاع آمده است:

> در دوران ما سه نبرد بزرگ که ناشی از تضادهای کنونی جامعه بشری است جریان دارد. نبرد بین نیروهای صلح‌طلب و جنگ‌طلب، نبرد بین ملت‌های مستعمره و وابسته با نیروهای استعمار در راه نیل به استقلال و حاکمیت ملی. نبرد بین نیروهای دموکراسی و سوسیالیسم از طرفی و ارتجاع و سرمایه‌داری از

طرف دیگر. در این سه نبرد دشمن مشترک امپریالیسم است و به همین سبب نبرد خلق‌ها در راه صلح، استقلال و حاکمیت ملی، دموکراسی و سوسیالیسم عمیقاً به هم پیوند یافته به یک مبارزه عظیم جهانی علیه امپریالیسم مبدل می‌گردد... نتیجه این نبرد عظیم عصر ما عبارت است از زوال امپریالیسم و پیروزی دموکراسی و سوسیالیسم و صلح و تلاشی کامل دستگاه استعمار و موفقیت خلق‌ها در حصول استقلال سیاسی و اقتصادی (حزب توده ایران، ۱۳۵۷، ص. ۴۱۴).

دقایق این گفتمان چیست‌اند؟ با مطالعه متون اصلی این گفتمان می‌بینیم که مهم‌ترین دقایق این گفتمان عبارتند از: طبقه، حزب، مبارزه، پیشرفت، دموکراسی، عدالت و برابری، آزادی، رفاه، برده‌داری، فئودالیسم، امپریالیسم، استعمار، ارتجاع، جبر، علیت، سرمایه‌داری، ازخودبیگانگی، تضاد و سوسیالیسم. این دال‌ها همه بر حول نقطه کانونی مارکسیسم-لنینیسم مفصل‌بندی شده‌اند و معنای خود را از این نقطه کانونی به دست می‌آورند.

بر اساس منطق تمایز در این گفتمان چه خرده گفتمان‌هایی یافت می‌شود؟ این گفتمان خودش یکی از خرده گفتمان‌های سوسیالیسم است و در طول حیات خود در ایران، خرده گفتمانی دیگر در آن ایجاد نمی‌شود.

اسطورهٔ این گفتمان چیست؟ این گفتمان چه چیزی را نفی می‌کند و چه وضع مطلوب و ایدئالی را پیشنهاد می‌کند؟ این گفتمان وضع موجود نظام سلطنتی استبدادی، گفتمان سلطنت مشروطه، گفتمان لیبرالیسم و سرمایه‌داری، سلطنت اسلامی و مائوئیسم را نفی می‌کند و وضعیت مطلوب برای آن «سوسیالیسم» است که البته برای رسیدن به این جامعه مراحل مختلفی باید طی شود. حزب توده ایران برای رسیدن به این مرحله بر اساس تعالیم لنین دیکتاتوری انقلابی و دموکراتیک پرولتاریا (ملی) را ضروری می‌داند و در متون خود به‌کرات خواهان تشکیل «حکومت دموکراتیک ملی» در ایران است.

رحیم نامور، در نفی گفتمان سلطنت استبدادی و لزوم سرنگونی آن در مقاله‌ای تحت عنوان «ماهیت امپریالیستی کودتای ۲۸ مرداد و مدارکی چند در این زمینه» می‌نویسد:

بزرگ‌ترین مسئله‌ای که نسل معاصر در مقابل خود دارد و باید به حل آن همت بگمارد در یک مبارزه بی‌امان و آشتی‌ناپذیر برای سرنگون کردن نظام سلطنتی، نظامی شاهی و رژیم اختناق و وحشت کم‌نظیر وی خلاصه می‌شود که مانند یک بختک بر روی سینه مردم فشار می‌آورد و جامعه ما نیروی فعاله

و قدرت تحرک خود را برای تأمین یک زندگی آزاد و شرافتمند، انسان که شایسته ملت با ارزش ایران است، تحت تأثیر شوم آن از دست می‌دهد. جامعه ما را تضادهای متعددی در هم می‌فشارد؛ ولی گرهٔ اصلی تمام مشکلات ما همین است. نبرد علیه رژیم شاه از نبرد علیه آفرینندگان و حامیان آن و قدرت‌های امپریالیستی و در رأس آن‌ها آمریکا جدا نیست و نمی‌تواند باشد (حزب توده ایـران، ۱۳۶۰، ص. ۳۴۴).

در متن مصوبات پلنوم چهارم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران که با شرکت ۱۵ تن از اعضای کمیته مرکزی با رأی قطعی و ۵۹ تن از کادرهای حزبی با رأی مشورتی از ۵ تا ۲۶ تیرماه ۱۳۳۶ در خارج از کشور تشکیل شد، دربارهٔ نظام مطلوب یا اسطورهٔ گفتمان مزبور یعنی «سوسیالیسم»، آمده است: «خصوصیت عصر ما سوسیالیسم از چهارچوب یک کشور تنها و تبدیل آن به یک سیستم اقتصاد جهانی است. سوسیالیسم طی یک‌سوم قرن رجحان خود را به سیستم اقتصاد سرمایه‌داری ثابت نموده و به یک سیستم اقتصاد جهانی تبدیل گردیده است» (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، ص. ۳۶۳).

همچنین در مصوبات این پلنوم در خصوصیت وضعیت کنونی ایران در مسیر نیل به سوسیالیسم و لزوم انقلاب بورژوا - دموکراتیک آمده است:

انقلاب ایران در مرحلهٔ بورژوا - دموکراتیک طراز نوین، یعنی در مرحلهٔ انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی است و در دوران کنونی لبهٔ تیز آن متوجه امپریالیسم است. امپریالیسم- فئودالیسم و بورژوازی کمپرادور بر رأس آن‌ها دربار و دشمنان انقلاب مانع رشد و پیروزی آنند. کارگران، دهقانان، روشنفکران، خرده‌بورژوازی و بوژوازی ملی قوای محرکه و پایگاه اجتماعی انقلاب را تشکیل می‌دهند. پرولتاریای ایران به‌مثابه پیگیرترین طبقه انقلابی وظیفه دارد در جریان انقلاب دموکراتیک رهبری (هژمونی) خود را تأمین نماید (حزب توده ایران، ۱۳۶۰، ص. ۳۸۰).

در متن مصوبات پلنوم هشتم کمیته مرکزی حزب توده ایران که در روز ۱۱ مردادماه ۱۳۳۹ تشکیل شد، در خصوص نفی سلطنت و تلاش برای ایجاد جمهوری دموکراتیک ایران به‌عنوان مقدمه‌ای برای استقرار سوسیالیسم، آمده است:

آنچه اکنون در برابر خلق‌های ایران قرار دارد عبارت از برانداختن نفوذ امپریالیسم و عمال آن، تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، ریشه‌کن کردن رژیم ارباب- رعیتی است که با سرنگون شدن حکومت ارتجاعی کنونی که شاه

مظهر آن است و تمرکز کلیه قوای دولتی در دست مردم و استقرار حاکمیت ملی به‌صورت ایجاد جمهوری دموکراتیک ایران تحقق خواهد یافت. جمهوری دموکراتیک ایران به کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران مترقی و سرمایه‌داران ملی تکیه دارد و اتحاد طبقه کارگر و دهقان استخوان‌بندی آن را تشکیل می‌دهد. این حکومت بر اساس تساوی حقوق و موافقت داوطلبانه خلق‌های ایران ایجاد می‌گردد (حزب توده ایـران، ۱۳۶۰، ص. ۴۱۷).

این گفتمان چه سوژه‌هایی را معرفی و خلق می‌کند؟ مهم‌ترین سوژه‌هایی که این گفتمان معرفی می‌کند، عبارتند از: طبقه کارگر، طبقه سرمایه‌دار (بورژوا)، امپریالیسم، استعمار، حزب کمونیست، حزب توده، دهقان، پیشه‌ور، روشنفکر آزادی‌خواه، روحانی سیاسی، روحانی غیرسیاسی، شاه، آیت‌الله خمینی، آمریکا، شوروی، انگلیس، مارکسیست، کمونیست، زحمت‌کش، استثمارگر، استثمارشونده، فئودال، توده و خلق، مرتجع، دهقان، خرده‌بورژوا، جوان، زن، مائوئیست، تروتسکیست، ارباب، رعیت و ساواک.

با توجه به منطق هم ارزی و تمایز هر سوژه دارای چه هویتی (مثبت منفی) است یا چگونه بازنمایی می‌شود (مثبت یا منفی)؟

مهم‌ترین سوژه‌هایی که در این گفتمان به‌صورت مثبت توصیف می‌شوند عبارتند از: طبقه کارگر، حزب کمونیست، حزب توده، دهقان، پیشه‌ور، روشنفکر آزادی‌خواه، روحانی سیاسی، آیت‌الله خمینی، شوروی، مارکسیست، کمونیست، زحمت‌کش، استثمارشونده، توده و خلق، دهقان، جوان، زن و رعیت.

مهم‌ترین سوژه‌های منفی این گفتمان عبارتند از: طبقه سرمایه‌دار (بورژوا)، امپریالیسم، استعمار، روحانی غیرسیاسی، شاه، آمریکا، انگلیس، استثمارگر، فئودال، مرتجع، خرده‌بورژوا، مائوئیست، تروتسکیست، ارباب و ساواک.

موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان چیست‌اند؟ حزب، توده، طبقه کارگر، دبیر اول حزب، طبقه سرمایه‌دار، خرده‌بورژوا، روشنفکری، پیشه‌وری، اربابی و رعیتی.

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان سوسیالیستی حزب توده از منظر نظریه لاکلاو و موف، پیچیدگی‌ها و محدودیت‌های تلاش این حزب را در ساخت هویتی هژمونیک در جریان انقلاب ۱۳۵۷ آشکار می‌کند. حزب توده سعی داشت گفتمان سوسیالیستی خود را بر پایه مضامینی چون مبارزه طبقاتی، ضد امپریالیسم و حقوق کارگران بنا کند. این مضامین از طریق زنجیره‌ای از معادل‌سازی به‌گونه‌ای بیان شدند که گروه‌های به حاشیه رانده‌شده را زیر پرچم سوسیالیسم متحد سازند. بااین‌حال، این زنجیره نتوانست ارزش‌های فرهنگی و مذهبی مسلط در جامعه ایران را در خود جای دهد؛ ارزش‌هایی که به‌کلی مؤثرتر از سوی گفتمان اسلامی بسیج شده بودند. این ناکامی نشان‌دهنده ماهیت تصادفی هژمونی است؛ جایی که موفقیت یک گفتمان نه‌تنها به انسجام درونی بلکه به توانایی آن در برقراری پیوند با مطالبات گسترده اجتماعی وابسته است.

درمجموع مقاله حاضر در قالب نظریه لاکلاو و موف و با رویکرد تحلیل گفتمان در توصیف گفتمان سوسیالیستی حزب توده به نتایج زیر دست یافت:

این گفتمان که ریشه در آموزه‌های مارکس دارد، نگرشی مادی‌گرایانه به جهان ارائه می‌دهد و کلیت واقعیت را صرفاً مادی می‌داند. براین‌اساس، وجود معاد و زندگی پس از مرگ را انکار می‌کند و زندگی را تا لحظه مرگ محدود می‌شمارد، به‌طوری‌که مرگ را به معنای پایان کامل و نابودی وجود تلقی می‌کند. این گفتمان با تکیه بر اقتصاد به‌عنوان پایه و زیربنای ساختار جامعه، سعی دارد تا سایر حوزه‌های جهان مانند فرهنگ، سیاست و اجتماع را نیز در چهارچوبی اقتصادی و مادی بازتعریف کند. مطابق با آموزه‌های مارکس، اقتصاد به‌عنوان زیربنا نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی روبناهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کند. این گفتمان، با الهام از اصلاحات نظریهٔ مارکس از سوی لنین، در پی ارائهٔ طرحی جامع در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و تحقق آن را مستلزم مبارزه می‌داند.

نقطهٔ مرکزی این گفتمان مارکسیسم-لنینیسم است و تمامی مفاهیم دیگر تنها در نسبت با این نقطه مرکزی معنا پیدا می‌کنند. این دال مرکزی ازنظر فراوانی در متون گفتمانی بسیار برجسته است. همچنین دال هویت‌بخش این گفتمان «مارکسیست-لنینیست» است؛ یعنی حاملان گفتمان خود را در این قالب تعریف کرده و دیگران را غیرمارکسیست-لنینیست می‌نامند.

مفاهیم تهی این گفتمان شامل برابری، عدالت، آزادی، استقلال از نظام سرمایه‌داری و پیشرفت است. متون این گفتمان بارها به کمبود عدالت و برابری در جامعه، وجود ساختارهای طبقاتی و نابرابری، فقدان آزادی، حاکمیت استبداد و دیکتاتوری و وابستگی ایران به جهان سرمایه‌داری به‌ویژه آمریکا و انگلستان اشاره دارند.

اصلی‌ترین دقایق این گفتمان عبارتند از طبقه، حزب، مبارزه، پیشرفت، دموکراسی، عدالت، برابری، آزادی، رفاه، برده‌داری، فئودالیسم، امپریالیسم، استعمار، ارتجاع، جبر، علیت، سرمایه‌داری، ازخودبیگانگی، تضاد و سوسیالیسم؛ که همه این مفاهیم حول نقطه کانونی مارکسیسم-لنینیسم سازمان‌دهی و معنا می‌گیرند.

بر مبنای منطق تمایز، این گفتمان یکی از زیر گفتمان‌های سوسیالیسم است و در طول فعالیت خود در ایران، زیر گفتمان دیگری در درون آن شکل نگرفته است.

این گفتمان نظام سلطنتی استبدادی، سلطنت مشروطه، لیبرالیسم و سرمایه‌داری، سلطنت اسلامی و مائوئیسم را رد می‌کند و «سوسیالیسم» را به‌عنوان هدف نهایی و وضع مطلوب معرفی می‌کند؛ وضعیتی که برای رسیدن به آن باید مراحل مختلفی طی شود. حزب توده ایران با تکیه بر آموزه‌های لنین، دیکتاتوری انقلابی و دموکراتیک پرولتاریا (ملی) را ضروری می‌داند و بارها در متون خود خواستار تأسیس «حکومت دموکراتیک ملی» در ایران شده است.

ازجمله مهم‌ترین سوژه‌های معرفی شده در این گفتمان می‌توان به طبقه کارگر، طبقه سرمایه‌دار (بورژوا)، امپریالیسم، استعمار، حزب کمونیست، حزب توده، دهقان، پیشه‌ور، روشنفکر آزادی‌خواه، روحانی سیاسی، روحانی غیرسیاسی، شاه، آیت‌الله خمینی، آمریکا، شوروی، انگلیس، مارکسیست، کمونیست، زحمت‌کش، استثمارگر، استثمارشونده، فئودال، توده و خلق، مرتجع، خرده‌بورژوا، جوان، زن، مائوئیست، تروتسکیست، ارباب، رعیت و ساواک اشاره کرد.

از میان این سوژه‌ها، گروه‌هایی مانند طبقه کارگر، حزب کمونیست، حزب توده، دهقان، پیشه‌ور، روشنفکر آزادی‌خواه، روحانی سیاسی، آیت‌الله خمینی، شوروی، مارکسیست، کمونیست، زحمت‌کش، استثمارشونده، توده و خلق، جوان، زن و رعیت از دید این گفتمان دارای بار مثبت هستند؛ درحالی‌که طبقه سرمایه‌دار (بورژوا)، امپریالیسم، استعمار، روحانی غیرسیاسی، شاه، آمریکا، انگلیس، استثمارگر، فئودال، مرتجع، خرده‌بورژوا، مائوئیست، تروتسکیست، ارباب و ساواک به‌عنوان سوژه‌های منفی قلمداد می‌شوند.

موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان نیز شامل حزب، توده، طبقه کارگر، دبیر اول حزب، طبقه سرمایه‌دار، خرده‌بورژوا، روشنفکر، پیشه‌ور، ارباب و رعیت است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته است.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن و همکاران (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: بشری.
- حزب توده ایران (۱۳۶۰). *اسناد و دیدگاه‌ها حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۲۵۷)*. بی‌جا، بی‌نا، چاپ اول.
- حزب توده ایران (۱۳۲۳). *مرامنامه حزب توده ایران*. تهران: حزب توده ایران.
- سیلور من، دیوید (۱۳۷۹). *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان، چاپ اول.
- شیرازی، اصغر (۱۳۸۶). *مدرنیته، شبهه و دموکراسی: بر مبنای یک بررسی موردی درباره حزب توده ایران*. تهران: اختران.
- طبری، احسان، اسکندری، ایرج، کیانوری، نورالدین و دیگران(۱۳۵۵). *دربارهٔ حزب (نکاتی چند دربارهٔ تحول حزب به‌مثابه حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر)*. تهران: حزب توده ایران.
- طبری، احسان و دیگران (۱۳۵۴). پنجاه سال تبه‌کاری و خیانت سلسله پهلوی. *ویژه‌نامهٔ دنیا*، بی‌جا، بی‌نا.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۶۱). *حزب توده ایران و مسائل میهن انقلابی ما (مجموعه مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها ۱۳۶۰- ۱۳۵۷)*. شماره ۶۸، چاپ اول.
- نش، کیت (۱۳۸۰). *جهانی شدن سیاسی معاصر: سیاست و قدرت*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- ون دایک، تئون اِی (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیلِ گفتمان (از دستورِ متن تا گفتمان کاوی انتقادی)*. ترجمه پیروز ایزدی ... [و دیگران]، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- Abrahamian, E. (1982). *Iran Between Two Revolutions*. Princeton University Press.
- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices*. Sage Publications.
- Howarth, D. & Stavrakakis, Y. (2000). *Introducing Discourse Theory and Political Analysis*, in Norval, A. J. & Stavrakakis, Y. (Eds.), *Discourse Theory and Political Analysis (Identities, Hegemonies and Social Change)*, Manchester University Press, Manchester and New York, pp. 125-.
- Jager, S. (2001). *Discourse and Knowledge: Theoretical Methodological Aspects of A Critical Discourse and Dispositive Analysis*, in Wodak, R. & Meyer, M. (Eds.), Methods of Critical Discourse Analysis, London: Sage, pp. 32- 62.
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis As Theory and Method. SAGE Publications*, London, Thousand Oaks, New Delhi.
-Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. Verso.
-Meyer, M. & Wodak, R. (2001). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: SAGE Publicatins, London, Thousand, New Dehli, First Published.